

فرمان بردگی زنان در روز "آزادی لیبی"

مصطفی عبدالجلیل در اولین سخنرانی خود بعد از "آزادی لیبی" از شر قذافی تاکید کرد "که از این پس قوانین بر اساس شریعت و دستورات قرآنی تنظیم خواهند شد. وی افزود: "در کشور مسلمان ما، شریعت پایه و اساس تمام قوانین است. بنابراین تمام قوانینی که با اصول اسلامی همخوانی ندارند غیر قابل اجرا خواهند بود. وی سپس برای نمونه از قانون تک همسری که در دوران قذافی اجرا می شد انتقاد و از چند همسری حمایت کرد."

این سخنانی آشنا برای مردم ایران است که بیش از ۳۰ سال زیر ضرب شلاق اسلام و قوانین اسلامی قرار دارند. این فرمان ضد انسانی عبدالجلیل (وزیر سابق دادگستری معمر قذافی) را مردم و خصوصا زنان ایران با همه وجود خود حس می کنند. قوانین اسلامی، بردگی جنسی، جنایت سازمان یافته. سنگسار و محروم کردن مردم از ابتدائی ترین حقوق انسانی است.



زن مبارزی که مورد تجاوز نیروهای قذافی قرار گرفت. موردی که مصطفی عبدالجلیل قصد عمومی کردنش را در لیبی دارد

وزیر سابق قذافی در اولین نطق ارتجاعی خود دنیای سیاه اسلامی را در برابر مردم و خصوصا زنان لیبی قرار داده است. ما به این مرجع اسلامی اطمینان میدهیم دنیای متمدن و همه آزادیخواهان و انقلابیون جهان علیه این فرمان کثیف اسلامی خواهند ایستاد. مردم لیبی برای قوانین ضد بشری اسلامی و قانون سنگسار و چند همسری عشریه ای - اسلامی، انقلاب نکرده اند ادامه در صفحه ۲

خانه نا امن - خانه امن نیلا از ایران

وقتی در نشریه شماره ۴۶ صحبت‌های فریده آرمان را خواندم با توجه به شرایط زنان در ایران باورم نمی شد در جایی از این دنیا فقط با یک تلفن زنی بتواند زندگی مشترک اجباری خود را ترک کند و امکان رفتن به خانه های امن را داشته باشد درست برعکس ایران که میلیونها زن مجبور به تحمل زندگی مشترک اجباری همراه با تحقیر و توهین و تجاوز هستند و هیچ خانه ای امنی وجود ندارد.

فریده آرمان در صحبت‌هایش قوانین مرجع اسلامی را با قوانین سوئد درباره ی زنان مقایسه می کند و اینکه باید در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی فورا این خانه های امن در ایران بوجود بیاید. اما من به طور مشخص می خواهم از زندگی چند زن در ایران حرف بزنم که کسی آنها را نمی شناسد و کسی تا به حال فریادهایشان را برای رهایی از زندگی مشترک اجباری نشنیده. مثل دهها زنی که هر کدامان در اطرافمان می شناسیم و چه بسا خودمان هم یکی از این زنان باشیم مثل میلیونها زنی که در ایران در زندگی های مشترک اجباری نه راه پس دارند نه راه پیش و هر روز فقط شاهد آب شدن شمع زندگی‌شان هستند تا خاموش شوند! تا بمیرند!

می خواهم از فریبا، سمیه، رویا، آمنه و از ... حرف بزنم:

از فریبای ۵۰ ساله که بعد از ۳۰ سال زندگی مشترک طاقتش تمام شده بود و به دادگاه شکایت برد که دیگر نمی تواند این زندگی مشترک اجباری را تحمل کند و نه پولی دارد و نه پدر و مادری که به آنها پناه ببرد اما با وجود این شرایطی که دارد حاضر به زندگی در خانه ی شوهرش نیست. دادگاه شکایت را قبول کرد و اولین نوبت رسیدگی به شکایت فریبا را دو ماه بعد اعلام کرد. فریبا اعتراض

کرد که در این دو ماه جایی برای ماندن ندارد و نه پولی برای سیر کردن شکمش و در این سن و سال هم نمی تواند کاری پیدا کند باید چه بکند؟ جواب دادگاه این بود؟ این مشکل خودتان است به ما مربوط نمی شود حالا می خواهید به بهزیستی مراجعه کنید شاید آنجا برایتان کاری انجام دادند!

از سمیه بگویم که وقتی دست آسیب دیده و



بدن کتک خورده اش را به پزشک قانونی نشان می داد به او گفتند:

خانم برادرانه به شما توصیه می کنیم که اگر شوهرت معتاد نیست و مشکل جدی ندارد برای کتک خوردن به دادگاه نرو و برگرد به خانه ی شوهرت و بساز که اوضاع دادگاه و بیرون خیلی بدتر از اوضاع خانه ی شوهرت هست.

از رویای خیلی جوان بگویم که از آزار و اذیتهای پدر و برادرانش به ستوه آمده بود و به خانه ی شوهر پناه برد که شاید آنجا خانه ای امن برای او باشد.

از آمنه جوان بگویم که با وجود اینکه طلاق گرفته بود و هضانت فرزندانش را هم با جنگیدن به دست آورده بود اما قادر به تامین مخارج زندگی نبود و از زور فشار تا به حال دو بار سکنه کرده!

ادامه در صفحه ۴

سمیه بی پناه و اسیر

سمیه دختر ۱۳ ساله ساکن مشهد در حالی از روز دوشنبه تحت مراقبت بهزیستی قرار گرفت که بارها از سوی همسایه خود مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود و در نهایت به دلیل غیبت‌های مکرر و پیکیری‌های مریبان مدرسه مشخص شد که او در چه وضعی به سر می‌برد. مریبان مدرسه بعد از بررسی‌ها و مراجعه به خانه سمیه و باخبر شدن از احوال او با اورژانس اجتماعی (۱۲۳) تماس گرفتند و مراتب را به آنها اطلاع دادند. سمیه، در حالی بر اثر شدت آسیب‌های وارده توسط اورژانس اجتماعی مشهد به مرکز مداخله شماره یک این شهر انتقال پیدا کرد که هیچ نهاد و سیستم حمایتی در زمان مورد نیاز از او حمایت نکرده بود. به گفته مدیر مدرسه، سمیه قبلا هم توسط این همسایه مورد اذیت و آزار قرار گرفته بود و خانواده‌اش نیز از این

جریان باخبر بودند. تا اینکه چند روز پیش مادر سمیه به دلیل اعتیاد دوباره به شیشه توسط ماموران پلیس به زندان منتقل شد، در این حین پدرش هم برادر و خواهر کوچک‌تر او را با خود به محل کارش می‌برد و به دلیل



اینکه سمیه قبلا هم مورد اذیت و آزار همسایه قرار گرفته بود او را در خانه‌ها کرده بود. سمیه که در این مدت تک و تنها در خانه بوده است، بارها توسط همسایه، و افرادی که به آن

خانه رفت و آمد داشته‌اند مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد. چه کسی شکایت می‌کند؟ اسماعیل پدر سمیه درباره شکایت از همسایه خود گفت: "به دلیل کار زیاد نمی‌توانم شکایت کنم. محل کارم از خانه‌ام فاصله زیادی دارد و من هفته‌ی یک شب می‌توانم به خانواده‌ام سر بزنم. اگر سر کار نروم، صاحب کار اخراجم می‌کند. در این صورت چه کسی می‌تواند خرج خانه و شکم دیگر بچه‌هایم را بدهد».

مدیر مدرسه هم درباره اعلام شکایت گفت: باید ابتدا با مشاور حقوقی سازمان صحبت کنیم تا معلوم شود تا چه حدی می‌توانیم ماجرا را پیگیری کنیم. به گفته این مدیر مدرسه، پدر سمیه می‌خواهد تا چند روز دیگر شکایت کند که اگر او این کار را انجام دهد ما بطور کامل از او حمایت می‌کنیم و حتی وکیل در اختیارش می‌گذاریم. در نهایت اگر او شکایت نکرد ما موضوع را پیگیری می‌کنیم*.

نکات مهمی در همین درننامه قابل مشاهده است. مادری که بجرم اعتیاد در بازداشت است، پدري که هفته ای یک شب می‌تواند به خانه سر بزند و اگر سر کار خود حاضر نشود اخراج می‌گردد. و اینکه هیچ نهاد و

سیستمی در آن کشور لعنت زده وجود ندارد که کودکانی چون سمیه را مورد حمایت و مراقبت قرار بدهد.

جامعه ای که ما می‌سازیم باید از این نظر

نیز الگوی یک جامعه انسانی باشد. اذیت و آزار کودکان باید جرم سنگینی باشد. و جامعه و نهاد های اجتماعی باید چهار چوشمی مراقبت کنند تا هیچ کودکی مورد آزار و اذیت قرار نگیرد.*

دوچرخه ویژه زنان

روبیانین: دوچرخه ویژه زنان با ویژگی‌های لازم برای حفاظت از زنان و رعایت شئونات لازم طراحی می‌کنیم محمد رویانین، رییس ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت کشور با اشاره به عزم دولت برای توسعه حمل و نقل پاک از طریق دوچرخه سواری، از طراحی دوچرخه ویژه زنان خبر داد و افزود: این دوچرخه که در دست طراحی است، دارای ویژگی‌های لازم برای حفاظت از زنان و رعایت شئونات لازم خواهد بود.

وی البته زمان دقیق تولید این دوچرخه را اعلام نکرد، اما گفت: هنوز امکان استفاده زنان از دوچرخه در حمل و نقل شهری وجود ندارد.

فرمان بردگی زنان

که حالا مرتجعین اسلامی بخود اجازه طرح چنین مزخرفاتی را بدهند.

مردم لیبی از شر یک دیکتاتور دیوانه به نام قذافی خلاص نشده اند تا این بار با طناب اسلام و قوانین نکبت بار اسلامی به چاه بروند. برای عقب راندن اسلامی‌ها البته باید متحد و متشکل شد. باید دانست و به دیگران نیز گفت هر نوعی از اسلام ("میانه رو یا تند رو") برای جامعه و خصوصا زنان سمی است محک و کشنده دست مذهب و قوانین مذهبی باید از دولت کوتاه شود*.

در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی بر عدم استفاده زنان از دوچرخه در سطح شهر تاکید شده

در همین رابطه، کبری خزعلی - رییس شورای فرهنگی، اجتماعی زنان - با بیان اینکه این شورا بر اساس سیاست‌های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی حرکت می‌کند، تاکید کرده بود: در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی بر عدم استفاده زنان از دوچرخه در سطح شهر تاکید شده است*.



شما بر تاکید خودتان اصرار بورزید و شورای عالی انقلاب فرهنگی تان را مامور کنید که جلوی دوچرخه سواری زنان را در سطح شهر بگیرد. شما الگوی اینچینی از دوچرخه ویژه زنان طراحی کنید. هر گند دیگری که در کله پوک شما وجود دارد بیرون بریزید. کتافت اسلامی را بیشتر بهم بزنید تا مردم نیز عمیق تر با همه شئونات اسلامی تان مخالفت کنند. کار شما گذاشته است. پیش از اینکه موفق شوید دوچرخه اسلامی طراحی کنید*.

دنیای تشنه حجاب اسلامی

"ترویج حجاب و عفاف به ارزشی مهم برای قوام بشریت تبدیل شده است" کمال فیروز آبادی، معاون سیاسی امنیتی استانداری فارس امروز در سومین جلسه کارگروه ترویج فرهنگ عفاف و حجاب استانداری فارس با اشاره به اهمیت موضوع ترویج فرهنگ حجاب و عفاف، اظهار داشت: نگاه منحصر به فرد اسلام و قرآن، مسیر مطمئن حفظ حقوق و رعایت حریم اخلاقی و انسانی را به روشنی تبیین کرده و به همین دلیل نیز امروزه جامعه انسانی به اهمیت موضوع حفظ حجاب و عفاف بیشتر از دوران گذشته توجه دارد و ترویج این امر به ارزشی مهم، برای قوام بشریت تبدیل شده است*.

نمونه: تظاهرات زنان اوکراینی علیه ممنوعیت رانندگی زنان در عربستان. شاید نه. در دفاع از فرهنگ عفاف و حجاب اسلامی!



اخطار به اسلام و حکومتش

سوءاستفاده زن از باطل شدن اقامت مرد در کانادا

مردی در دادگاه خانواده گفت: همسر من باطل شدن اقامت کانادای من سوءاستفاده کرده و در حال حاضر از من خبری نگرفته و حتی به تماس‌های من پاسخ نمی‌دهد. به گزارش فارس، مردی با مراجعه به دادگاه دادخواست تمکین زن خود را به قاضی حسن عموزادی رییس شعبه ۲۶۸ این مجتمع قضایی خانواده ارایه کرد.

وی در ادامه با اشاره به اینکه همسر من از باطل شدن اقامت سوءاستفاده کرده و در حال حاضر به ایران برای زندگی در کنار من باز نمی‌گردد، افزود: می‌خواهم همسر من به ایران آمده و در کنارم در اینجا زندگی کند.

مرد در انتها با بیان اینکه همسر من بسیار بی‌احساس است، اظهار داشت: نمی‌توانم بدون همسر در ایران زندگی کنم. در واقع با تمام بی‌احساسی‌اش از او می‌خواهم که در کنارم

زنان سرخ پوش در تهران

یاقوت، بانوی سرخ پوش دختران تهرانی به یاد زن سرخپوش میدان فردوسی دور هم جمع شدند

میدان فردوسی میعادگاه دختران و زنانی بود که برای بازخوانی یک پرونده عاشقانه با لباس‌های یکدست سرخ، دور یکدیگر جمع شده بودند. در این روز تا چشم کار می‌کرد. دختران سرخپوشی را می‌شد دید که در (نمایش) "بانوی سرخپوش" حاضر بودند. نمایش "بانوی سرخپوش" این‌گونه کلید خورد که دخترانی سراپا سرخپوش هرکدام به تنهایی در روزی از هفته از ساعت پنج تا شش عصر با پوششی سرخ در میدان فردوسی می‌ایستادند. اما پنجشنبه ماجرا کمی متفاوت بود. در قسمت آخر این پرفورمنس نزدیک به ۵۰ دختر سرخپوش دور تا دور میدان فردوسی را قرق کرده بودند تا با اجرای نهایی این پرفورمنس یاد و خاطره "یاقوت" را زنده نگه دارند.

ماجرا از این قرار بود که زنان قصد داشتند یاد زنی را زنده کنند که روزی روزگاری نماد عشق و عشاق تهران بود که شاید هنوز هم هست و خواهد بود. "یاقوت" نام زنی بود که همواره با لباسی سرخ به امید ملاقات با معشوق در میدان فردوسی حاضر بود و آن‌گونه که روایت می‌شود، در سال‌های ۶۲-۶۱ برای آخرین بار در این میدان دیده شده است.*

زندگی کند و به ایران بیاید. قاضی عموزادی رییس شعبه ۲۶۸ مجتمع قضایی خانواده ونک، بعد از حرف‌های مرد، اخطاریه برای زن برای آمدن به ایران را صادر کرد.*

دنیای بیمارگونه اسلامی ها! زنی در کانادا اخطار می‌گیرد به ایران برگردد و در دادن سرویس جنسی به "شوهرش" کوتاهی نکند. یادآور دورانی که بردگان فراری را به صاحبانشان بر می‌گرداندند. برده داری اسلامی هم به آخر خط رسیده است.*

حمله خونین جوان کرمانی به همسرش در کلاس درس!

مردی با تصور داشتن ارتباط نامشروع، همسر دانشجوی خود را با ضربات متعدد چاقو در کلاس درس و در حضور استاد و دانشجویان زخمی و روانه بیمارستان کرد. فاطمه به علت اصابت چاقو به نخاع از ناحیه دو پا فلج شده و به علت جراحات وارده در کما به سر می‌برد.*

پلیس و زنان سرخ پوش

مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در مورد حضور زنان سرخ پوش در میدان فردوسی تهران اعلام کرد: این حضور صرفاً برای تهیه یک برنامه مستند است. به گزارش مهر، مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در پی انتشار اخباری مبنی بر حضور زنان قرمز پوش در میدان فردوسی تهران در برخی رسانه‌ها، اعلام کرد: حضور این زنان صرفاً برای تهیه یک برنامه مستند با عنوان 'پنج عصر میدان فردوسی' به تهیه‌کنندگی و کارگردانی جابر انصاری و حسینی است. بر اساس اعلام مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، تصویر برداری مستند یادشده با مجوز بوده و حدود دو ماه ادامه خواهد.*



چه شده است که فوراً پلیس وارد شده است و اطمینان داده است خطری حکومت اسلامی را تهدید نمی‌کند؟ معلوم شد این حرکت زنان سرخ پوش یک دهن کجی به رژیم سیاه پوش اسلامی است. حضور این زنان یعنی حکومت ضد زن باید برود.*

اعتراض گسترده به بازداشت فرشته



اعتراض بیش از ۳۵۰ نفر از فعالان حقوق زنان و حامیان

آنها نسبت به حکم سنگین فرشته شیرازی نزدیک به چهل روز از بازداشت فرشته شیرازی وبلاگ نویس و فعال حقوق زنان می‌گذرد. وی در تاریخ ۱۲ شهریور سال جاری پس از احضار به اداره اطلاعات شهر آمل در استان مازندران بازداشت و به بخش زنان زندان این شهر منتقل شده است.

بازداشت این فعال حقوق زنان در حالی صورت می‌گیرد که وی پیش از این نیز بارها به اداره اطلاعات احضار و در مورد فعالیت‌ها و نوشته‌های خود مورد بازجویی قرار گرفته بود. در دادگاه او اتهامات "تبلیغ علیه نظام"، "تشویش اذهان عمومی" و "توهین به مسئولان نظام" علیه وی مطرح گردیده است.*

مبارزه با حجاب اسلامی در زندان



نسرین ستوده به دلیل مخالفت با چادر اجباری زندان برای سه هفته ممنوع‌الملاقات شد. رضا خندان، همسر این وکیل زندانی، می‌گوید که یکشنبه گذشته که برای دیدار همسرش به زندان اوین رفته بود، مأموران به او گفته‌اند به دلیل تنشی که بر سر استفاده از چادر اجباری ایجاد شده، همسرش ممنوع‌الملاقات شده است.

نسرین ستوده شهریورماه سال ۱۳۸۹ در تهران بازداشت شد و در دی‌ماه همان سال به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" به ۱۱ سال زندان، ۲۰ سال محرومیت از وکالت و ۲۰ سال ممنوعیت خروج از ایران محکوم شد.*

از قتل زن دانشجو در سر کلاس درس تا همه جنایات شخصی دیگر در خیابان و خانه و شکنجه کودک ۱۳ ساله توسط همسایگان واقعا شخصی نیست. جواز همه این جنایات را رژیم اسلامی صادر می‌کند. همه حکومتها مسئول همه اتفاقات در جامعه اند. بد و خوب هر جامعه به پای دولت حاکم نوشته می‌شود.*

پاسخ آنجلینا به یک لات اسلامی

در شماره قبل یادداشت این سرباز خدا را به زبان هنرپیشه در ایران خواندیم. و کثافتاتی که از زبان این سرباز امام زمان علیه آنجلینا جولی جاری شده بود. نامه ای را که مشاهده می کنید منتصب به آنجلینا جولی است که خطاب به مرتجع اسلامی نوشته شده است. با هم بخوانیم. ع - ت

آقای سلحشور عزیز،

متن ترجمه‌ی شده‌ی سخنان شما را در باره‌ی خودم و سینمای ایران خواندم و بسیار متأسف شدم. من آشنایی زیادی با سینمای ایران نداشتم. قبلا نام‌هایی مانند امیر نادری، داریوش مهرجویی، عباس کیارستمی، رخشان بنی‌اعتماد... و تنی چند را شنیده بودم و موفق به دیدن برخی از آثار سینمایی ایشان شده بودم اما افتخار آشنایی با شما را نداشتم حرف‌های شما مرا واداشت تا در مورد سینمای ایران بیشتر تحقیق کنم و این به قول شما حکایت همان عدوی ست که سبب خیر می‌شود. در



تحقیق من از سینمای ایران با نام میرزا ابراهیم‌خان صحاف‌باشی آشنا شدم که جهان‌گردی روشنفکر بود و نخستین پرزکتور را به ایران آورد و اولین سینما را در ایران تاسیس کرد. او سفرنامه‌یی دارد. در مقاله‌یی خواندم که در سفرنامه‌اش ماجراهای مختلفی از لندن آن سال‌ها، اواخر قرن نوزدهم، نقل می‌کند و از جمله می‌نویسد: «(نقل به مفهوم) دو ثلث زنان لندن فاحشه‌اند و یک ثلث دیگر هم چنین‌اند اما نمود ندارند.» احتمالا به این دلیل او زنان قرن نوزدهمی لندن را فاحشه می‌دانسته است که با مردان دست می‌داده‌اند، لبخند می‌زدند و گاه بدون کلاه و روسری در معابر عمومی دیده می‌شدند و از نظر او

این‌کارها را فقط زنان فاحشه انجام می‌داند. (شرح حال خواندنی میرزا ابراهیم خان صحاف‌باشی) به هر روی این‌گونه که پیداست امروز نیز بعد از صد و اندی سال شما هم ملاک‌تان برای فاحشه خواندن و هرزه نامیدن دیگران همین «آزاد بودن» است و من خوشحال هستم که شما مرا با این تعبیر و تفسیر «هرزه» می‌نامید و اگر سینمای ایران را «فاحشه‌خانه» می‌خوانید درواقع دارید از این سینما تعریف می‌کنید و اگر بخواهیم حرف شما را برگردانیم به سخن دنیای پیشرفته «فاحشه‌خانه» می‌شود «خانه‌ی آزادی‌خواهان» و من قبول دارم برخی از زنان سینمای ایران زنان آزاده و آزادی‌خواهی هستند که در منظر شما «هرزه» دیده می‌شوند.

اجازه بدهید مانند دوستان‌تان شما را حاج فرج صدا کنم و بگویم حاج فرج عزیز شاید شما ندانید اما من دختری به نام زهرا دارم که در اتیوپی به دنیا آمده است و من او را به فرزندخوانده‌گی قبول کرده‌ام و مانند سه فرزندی که از برد به دنیا آورده‌ام و مانند پسر کامبوجی و ویتنامی‌ام دوست‌اش می‌دارم. کمی دنیای خود را وسیع‌تر کنید بی‌شک چهره‌ی‌تان هم از این حالت عبوس نجات پیدا می‌کند و کمی زیباتر می‌شوید چهره‌ی زیبا مهم نیست و اینقدر از این که چهره‌ی زشتی دارید نسبت به زیبارویان حسادت نکنید روح زیبا نایب است و گرنه تا دلتان بخواهد یوسف و زلیخای زیباروی روی زمین به عمل می‌آید.

اگر ما هم مانند شما در دو قرن پیش زنده‌گی می‌کردیم «برد» شما را دعوت به دونل می‌کرد و اگر فیلم «تروا» را دیده بودید حتما از این تهدید تن‌تان می‌لرزید و حتما بسیار خوش‌حال هستید که ما چند قرنی پیشرفته‌تر هستیم و مردان خود را صاحب زنان‌شان نمی‌دانند و شما را دعوت به دونل نمی‌کنند. اما من شما را دعوت می‌کنم که با دیدی فراخ‌تر به زنده‌گی و انسان و تاریخ و جهان بنگرید شاید از این بیماری ویران‌گر نجات پیدا کنید و چون «زلیخا» جوان و زیبا شوید.

با بهترین آرزوها
آنجلینا جولی ویت

کلی برای آخونده خندیدیم

لیلا از ایران

مهسا و علی خوشحال و خندان وارد خانه شدند و با هم می‌گفتن و می‌خندیدن از شون پرسیدم چیه؟ چرا این همه خوشحالید؟ یه آزمایش رفتن اینهمه خوشحالی داره؟ که هر دو بهم چشمکی زدند و باز هم خندیدن.

بعدا مهسا بهم گفت وقتی رفتیم محضر برگه



درخواست آزمایش بگیریم گفتن اول باید ما رو صیغه کنند که به هم محرم شویم تا بتوانیم برای آزمایش برویم و مقدمات قبل عقد را فراهم کنیم و وقتی آخوند اون آجی مجی‌ها رو می‌خوند برای اینکه ما به هم محرم بشیم کلی تو دلمون بهش خندیدیم که بیچاره این آخونده نمی‌دونه که ما وقتی عاشق هم شدیم همدیگرو بغل کردیم و بوسیدیم و حتی سکس هم داشتیم حالا این عقب مونده‌ها می‌خوان برای اینکه ما کنار هم راه برویم به هم محرم شویم.

اونموقع منم خندیدیم و گفتم راستی راستی که به زودی ما مردم ما جوونا با نحوه‌ی مدرن زندگی مون این حکومت مرتجع و کپک زده رو به گور می‌سپاریم.*

خانه‌های نا امن ...

از چند تا پروانه، سحر، مهری و... بگویم آیا واقعا اگر خانه‌های امن هم در دسترس تمام فریبها و سمیه‌ها و... بود باز هم زنان مجبور به تحمل چنین زندگی‌های مشترک وحشتناکی بودند؟ یا اینکه آنها هم در این یکبار به این دنیا آمدنشان مثل یک انسان و به دلخواه خودشان زندگی می‌کردن و شاد و راضی بودند؟

واقعا شکل دیگری از زندگی ممکن نیست؟ واقعا دنیای بهتری ممکن نیست؟ *

مردم ایران نیست. همین واقعیت مبارزه در ایران است که به مردم شریف جهان و از جمله آنجلینا‌ها امکان میدهد در برابر این چاقو کش‌های اسلامی ضد زن سینه سپر کنند و آنها را سر جای‌شان بنشانند. این حکومت عقب مانده ضد زن و ضد مردم در بد مخمصه‌ای گرفتار آمده است. زنده باد آنجلینا.*

پاسخ کوبنده آنجلینا را به سمبل حکومت اسلامی خواندید. دنیائی است. تا پیش از انقلاب ۸۸ دنیا آن واقعیت عظیمی که در ایران در جریان بود را نمی‌شناخت. حکومت تمام جنایاتش را به نام مردم ایران به جهانیان حقنه می‌کرد. انقلاب ۸۸ نشان داد که مردم ایران هیچ ربطی به حکومت ندارد و حکومت هم نماینده هیچ بخشی از